اسمُ الجمع

جمعی است که در ظاهر مفرد می نماید و مفردی از جنسِ خودش ندارد . مانندِ :

جَیش : ارتش ( واحدِ آن « جُندیّ » است . ) /  شَعْـب : ملّت ؛ قبیلة ؛ قَوم ؛ مَعشَر ( واحدِ آنها رَجُل و اِمرأة است . )  /  نِساء ( واحدش « اِمرأة » است . )  /  خَیْـل : اسب ( واحدِ آن « فَرَس » است  . ) /  إبِـل :  شتر ( واحدِ آن « جَمَل » و « ناقة » است . ) / غَنَم : گوسفند ( واحدِ آن « شاة » یا خَروف است . )

با این کلمات به دو صورت مفرد و جمع می توان برخورد کرد . القومُ ساروا . یا القومُ سارَ .

از آنجا که ظاهرِ این کلمات مفرد است ؛ آنها را مثنّی و جمع نیز می کنند . مانند : قَومانِ ، أقوام / شَعبانِ ، شُعوب

اسمُ الجِنسِ الجَمعیّ

کلماتی مانند : « تُفّاح : سیب » / « رُمّـان : انار » / زیتون / بُرتُقال /«  نَجم : ستاره » /  « ورق : برگ  » اسمِ جنس نام دارند و حرف « ة » در آنها « تاء وحدة » است . مثلاً « تُفّـاحة » یعنی « یک سیب » . پس « تُـفّـاح » را می شود به هر دو صورتِ مفرد یا  جمع دانست .

جمعُ الجمع

برخی کلمات دو بار جمع بسته شده اند . در اصطلاح به این کلمات جمعُ الجمع می گویند . مثال :

 بُیوتات  (بیت  بُیوت  بُیوتات ) / نُذورات ( نَذْر  نُذور  نُذورات ) /

 أکالِب : سگها ( کَلْب  أکْـلُب  أکالیب ) / أظافیر : ناخنها (ظُفْر  أظفار  أظافیر )

الجمعُ علی غیر مفردِهِ

برخی از جمعها با مفردشان  هماهنگ نیستند . مانند :

« حَدیث  أحادیث » ؛ « حُسن  مَحاسِن » ؛ « باطِل  أباطیل »

چنانچه بخواهیم برابرِ قاعده بگوییم . مفرد أحادیث ، اُحدوثة  ؛ مفرد مَحاسِن محسن و مفرد أباطیل اُبطولة است .

المفرد و المثنّی و الجمع علی شکلٍ واحد

برخی کلمات مفرد ، مثنی و جمعشان یکسان است . مانند : فُلک به معنی کشتی ها و کشتی .

 مفرد مانندِ { الفُلکُ المَشحون } . جمع مانند « الفُلکُ الّتی تَجْـری فی البحر . »